

پدیدارشناسی هوسرل

دیوید وودراف اسمیت

ترجمه:

غلام عباس جمالی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد - کرج

ویراستار:

دکتر عزیزا... افشار

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

نقشه

۱۳۹۷

سرشناسه	: اسمیت، دیوید وودراف، ۱۹۴۴ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: اسمیت، دیوید وودراف، ۱۹۴۴ - م.
مشخصات نشر	: تهران: نقش جهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۲ ص. ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.
شابک	: 978-964-6688-46-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Husserl, 2 nd ed, 2013.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: هوسرل، ادموند، ۱۸۵۹ - ۱۹۳۸ م.
موضوع	: Husserl, Edmund
شناسه افزوده	: جمالی، غلامعباس، ۱۳۳۵ - . مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف ۹۳ هـ / B ۳۲۷۹
رده‌بندی دیویی	: ۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۷۳۶۹۷

نقد و بررسی

دیوید وودراف اسمیت

هوسرل

ترجمه: دکتر غلامعباس جمالی

ویراستار: دکتر عزیزا... افشار

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

انتشارات نقش جهان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۸-۶۶۴۷۵۴۴۷

شابک: ۹-۴۶-۶۶۸۸-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	فصل اول - زندگی هوسرل و آثارش
۵۵	فصل دوم - سیستم فلسفی هوسرل
۱۰۳	فصل سوم - هوسرل و منطق
۱۵۷	فصل چهارم - هستی‌شناسی: ماهیت و مفولات، ایمان و ابدان
۲۱۵	فصل پنجم - پدیدارشناسی، علم جدید تجربه‌نما
۲۶۷	فصل ششم - پدیدارشناسی
۳۴۹	فصل هفتم - شناخت‌شناسی فراتر از عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و دانت‌گرایی
۳۹۳	فصل هشتم - اخلاق - ارزش‌های مبتنی بر تجربه
۴۴۳	فصل نهم - میراث هوسرل
۴۷۱	نمایه - فهرست اسامی اشخاص، مکان‌ها، مفاهیم و کتب

مقدمه

ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) در مواربا زاده شد. نخست در ریاضیات به درجه‌ی دکترا نائل شد و سپس در فلسفه دکتری دوم را دریافت نمود. وی مدرس و استاد فلسفه شد و در دانشگاه‌های آلمان تدریس کرد. در ایام تدریس اندیشه‌های فلسفی خویش را به پشتی تحریر درآورد تا آنجا که به عنوان بنیان‌گذار پدیدارشناسی شناخته شد. پدیدارشناسی بالنده در دستان هوسرل جریان اندیشه‌ی اروپا را تغییر داد. وی به پدیدارشناسی برجسته است بلکه یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه‌ی سیستماتیک در سده‌ی بیستم با ارسطو و کانت است. اکنون، این مجلد درصدد است جایگاه حقیقی هوسرل را در میان خدایگان اندیشه نشان دهد. پس، ضروری است مطالعه‌ی ضرورت‌های مرکزی بر جامعیت سیستم وی با نقش ویژه‌ی پدیدارشناسی باشد.

اکنون دو هوسرل مضمون سخن است: نخست فیلسوفی انقلابی آتشین مزاج که با سنت «قاره‌ای» پویا همراه است و دوم، فیلسوفی فرمالیست و آکادمیک که با سنت «تحلیلی» همگام و هم‌سخن است. این دو منش به گونه‌ای یک‌دیگر را وی بارز و آشکار هستند؛ با این حال، هنوز می‌توان شخصیت علمی فلسفی دیگری را و رای آنچه ذکر شد یافت که آن جامعیت هوسرل انقلابی و علمی است. این شخصیت همان فیلسوف سیستماتیک است که همه‌ی چیزها را از درون وابسته به یکدیگر می‌بیند، با چنین پیشی وی نظریه‌ای در باب وابستگی ارائه می‌کند. براساس این نظریه، جامعه، عدد، صورت «منطقی» مثالی و به همین ترتیب به همدیگر متکی و وابسته هستند. در آغاز نیمه‌ی دوم قرن بیستم هوسرل به میدان

اندیشه‌ی عصر پا گذاشت، زمانی که روان‌شناسی، منطق، ریاضیات، و فیزیک گام‌های پرفروری برمی داشتند. در آن آغاز وی رشته‌ی (دیسپلین) فلسفی جدیدی در نظر داشت، رشته‌ای که علوم گوناگون را به هم پیوند می‌داد، این چشم‌انداز، پدیدارشناسی را در کانون همه‌ی سیستم‌های فلسفی می‌دید، به گونه‌ای که نظریه‌های منطق، هستی‌شناسی، پدیدارشناسی، شناخت‌شناسی، نظریه‌های اجتماعی و اخلاق را با حفظ وحدت درونی متحد می‌کرد، به نحوی که همانند اصل واحدی شوند. در چنین دیدگاهی بود که وی سیستم فلسفی جامع و پیچیده‌ای ارائه کرد تا آنجا که حتی دانش ریاضی و دغدغه‌های انسانی را هم برمی‌گرفت. پس ارائه‌ی تصویری از هوسرل در این مجلد آسان نخواهد بود، آن طوری که بتواند فیلسوف ما را هم‌زمان پدیدارشناسی انقلابی، فیلسوفی علمی، سیستم‌گرایی سنتی به تصویر بکشد.

نقش هوسرل در سنت قرن بیستم مهم است. در فلسفه‌ی «قاره‌ای» و فلسفه‌ی تحلیلی، که اولی دغدغه‌های اومانیستی الهام گرفته است و دومی مشغله‌های علمی-ریاضی-منطقی است. تأثیر وی بر فلسفه‌ی قاره‌ای و حتی پدیدارشناسی در آمریکا آسایه‌خیزی آشکار است. اما تأثیر وی در فلسفه‌ی تحلیلی به تدریج آشکار خواهد شد.^۱ دریفوس ۱۹۸۲؛ موهانتی ۱۹۸۲؛ کوفاف ۱۹۹۱، دامت ۱۹۹۳؛ ریچاردسون ۱۹۹۸؛ فریدمن ۱۹۹۹؛ هیل و روسادو هادوک ۲۰۰۰؛ فیشته ۲۰۳۳؛ لیونینگ استون ۲۰۰۲؛ ریکمن ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۶. این مجلد اهمیت جایگاه نظام هوسرل در جریان اندیشه‌ی تاریخ از زمان افلاطون و ارسطو تا دکارت، هیوم، کانت و نیز در فلسفه‌ی قرن بیستم و غیر از آن را جست‌وجو می‌کند که به سه دوره‌ی مشخص قابل تفهیم است.

در این مجلد سعی بر این است تا افکار پیچیده‌ی هوسرل از جمله روش‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها و نظام وی حتی المقدور ساده ارائه شود. در اندیشه‌ی هوسرل پیچیده است، و به‌منظور تسهیل آن لازم است در فصولی چند تشریح شوند به گونه‌ای که هر فصل یکی از نظریه‌های نظام وی را که با نظریه‌های دیگر وابستگی دارد بررسی کند. و نیز پیرامون آموزه‌های هوسرل به مطالبی در باب شخصیت‌های علمی و فلسفی دیگر برمی‌خوریم تا بافت و متن ایده‌های وی را

1. Drefus, Mohanty, Coffa, Dummett, Richardson, Friedman, Hill and Rosado Haddock, Fissette, Livingston, Rychman.

نشان دهیم. و نیز توسعه‌ی هر ایده را به‌طور خاص و در نسبت با ایده‌های دیگر روشن می‌کند. همه‌ی این تلاش‌ها به‌منظور شناخت و قرائت بهتر هوسرل است. با همه‌ی این احوال، همه‌ی کوشش‌های فراهم‌شده در این مجلد خواننده را تا آنجا یاری و آماده می‌سازد که بتواند آثار هوسرل را پژوهش کند، کاری که کتب راتلیج در خصوص فلاسفه به عهده دارند.

بنابراین، اثر حاضر قابل مطالعه برای طیف وسیعی از خوانندگان است، حتی کسانی که اطلاعاتی جامع در باب هوسرل دارند زیرا این اثر به همه‌ی حوزه‌های فکری فلسفی مربوط به هوسرل از جمله مفاهیم پایه، دیدگاه‌های متناوب کلیدی و تطبیق تاریخی اصلی می‌پردازد و نیز اثر حاضر برای خوانندگان کم‌اطلاع در باب هوسرل اما مطلع و آگاه در فلسفه هم مفید است. خواننده می‌تواند فصل‌ها را به ترتیب دنبال نکند اگر موضوع خاصی را جست‌وجو می‌کند. به هر صورت، خواننده هر مقدار زمینه‌ی فکری می‌تواند کلیت سیستم فلسفه‌ی هوسرل را در فصل دوم بیابد. در ضمن فصل دوم چرایی و چگونگی وابستگی و استقلال جزء ای و تفاوت این سیستم را تبیین می‌کند. اما اگر خواننده‌ای در صدد است فلسفه هوسرل را به‌طور مشروح با جزئیات آن مطالعه کند و مباحث پدیدارشناسی را در آن شن بزنگ بیابد، لازم است وابستگی و استقلال بخش‌های متفاوت این سیستم را در سراسر این مجلد بررسی کند. اما اگر شخصی علاقه دارد توسعه‌ی اندیشه هوسرل را به ترتیب مجلداتی که او در طی نیم قرن به تحریر آورده است مطالعه کند، می‌تواند توضیحات من را (مؤلف) درباره‌ی هر یک از آثار وی از اثر به آخر استخراج کند. سرانجام اگر شخص به موضوع خاصی در مجموعه نوشته‌های وی علاقه‌مند هست و در صدد است نقش آن موضوع را در پدیدارشناسی هستی‌شناسی و به‌همین ترتیب و یا در سراسر سیستم وی بداند، با ملاحظه به ارجاعات، آن موضوع قابل بررسی است. زیرا من در این اثر ایده‌های ویژه‌ی وی را بازسازی کرده‌ام.

فیلسوف انقلابی، فیلسوف علمی

از زمان روسو و سپس کانت تا نیچه و هایدگر و نقادان فرهنگی اخیر مانند فوکو و دریدا سنتی را می‌بینیم که بر تغییر رادیکال سنت فلسفه‌ی اروپا تأکید دارد. تاریخ

فرآیندی پویا است، همیشه از یک واقعیت اجتماعی کنونی به دیگری تغییر می‌کند. ظهور نظریه‌های فلسفی رادیکال در باب ذهن، بدن، اجتماع و نیز ظهور جنبش‌های سیاسی انضمامی فرآیندهایی پویا هستند. در این سنت «تاریخی» هوسرل آن انقلابی نظری است که علت پدیدارشناسی در فلسفه و فراتر از آن را بیان می‌کند. نقد معروف هوسرل از «زیست‌جهان» حاوی این نکته است که علوم اروپایی به سبب شوق و علاقه‌اش به «ریاضی‌کردن» طبیعت، حس زندگی هر رزی را گم کرده است. نتیجه‌ی این فاجعه از دست دادن جنبه‌ی عقلانیت در سیستم زندگی انسان از علم تا سیاست است. هوسرل جنبش مخوف برسوالیست ملی در سال‌های پایانی زندگی خویش (۱۹۳۵-۸) در سرزمین اجدادش آلمان، حکایت بارز فقدان عقلانیت یا از دست رفتن عقلانیت تفسیر می‌کند. ناشی از فقدان حس زندگی هر روزی در نظریه‌های علمی است.

فلسفه‌ی هوسرل، لذا از نقد انقلابی از جهت سیاسی، کاملاً در مسیر «نقد عقل» انقلابی است که کانت آن را در آثار مبسوط خود در دستور کار قرار داده بود. هوسرل پدیدارشناسی استدلالی را چون بازاندیشیدنی رادیکال از نسبت ما به جهان می‌دید، نه به طور ساده یک نسبت شناختی (بازنمایی مفهومی که اطلاق به حساسیت می‌شد، بر طبق نظریه کانت) بلکه یک نسبت «التفاتی» که با معنی مثالی هدایت می‌شود. اشتیاق هوسرل برای تبیین بصیرتی، موجد جنبشی بزرگ و پیوسته در اندیشه‌ی اروپایی است. فلسفه‌ی پدیدارشناس از جمله مارتین هایدگر، موریس مرلوپوتی، ژان پل سارتر پدیدارشناسی را با عنایت به بینش و تفسیر خویش بسط دادند، به این معنا که در میان تبیین تغییرات بنیادی در ایده‌های ارائه شده از سوی هوسرل بودند. در نتیجه پدیدارشناسان اگزیستانسیال^۱ بر مشغولیت‌های سیاسی و عملی علم، رولمووس تأکید می‌کردند. در روزگار میشل فوکو^۲، ژاک دریدا و یورگن هابرماس، رسم اندازهای اجتماعی و نظریه‌های فرهنگی زبان دنبال شد، ولی، جنبش در آن فضای فلسفی از معنا حرکت می‌کرد که به وسیله‌ی هوسرل طرح شده بود.

سنت دیگر در فلسفه‌ی اروپا که بر علم، ریاضیات و منطق تأکید دارد بدون اینکه تحولات سیاسی، اجتماعی، یا فرهنگی را ملاحظه کند میراث منطقی است که توسط گوتلوب فرگه، برتراند راسل، و سپس پوزیتیویست‌های منطقی

حلقه‌ی وین در دهه‌ی ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آغاز و بسط یافت. به‌طور خاص، رودلف کارناب ایده‌ال فلسفی دقیقی را ترویج می‌کرد که به وسیله‌ی منطق جدید هدایت می‌شد. پوزیتیویست‌ها، ریاضیات و فیزیک مدرن را چون نمونه‌های روشن و اندیشه‌ی فلسفی عینی می‌پنداشتند و آنها را در مقابل امپرسیونیستی، سوپرتکتیویته و نوشته‌های هیجانی قرار می‌دادند، که امروزه آنها بخش‌هایی از فلسفه‌ی قاره‌ای است. خطای این تصویر چیست؟

دهه با پیش از حلقه‌ی وین، هوسرل مدل فنی دقیق و فلسفه‌ی علمی را بسط داد که در سیر ایده‌آل‌های استادان وی فرانتس برنتانو و برنارد بولتسانو بود. هوسرل در اوایل قرن بیستم، در وین زندگی، تحصیل و مطالعه می‌کرد جایی که مکان برجسته‌ی اندیشه‌ی اروپایی در هنر، معماری، موسیقی، علم و ریاضیات بود. کار نخستین هوسرل در ریاضیات بود و سپس به فلسفه‌ی ریاضیات مشغول شد. شوق انقلابی از این ریاضی‌دانان اروپایی روزگارش و از دوستانش جورج کانتور (پیش‌گام نظریه‌ی مجموعه‌ها)، و دیوید هیلبرت (پیش‌گام روش‌های اصل موضوعی صوری که ایده‌ی هر ریاضی‌دانی را هدایت می‌کند) کمتر نبود. در این حلقه‌ی تأثیر ایتنن در ارتباط مستقیم با هیلبرت و رمان ویلی ریاضی‌دان بود، کسانی که مستقلاً متأثر از هوسرل بودند. در این میان کارناب شخصاً به درس‌گفتارهای هوسرل علاقه نشان داد، در نتیجه نقشی به‌یادماندنی در مقاله‌ای به نام ساخت منطقی جهان (۱۹۱۱) ایفاء کرد. جایگاه هوسرل در چرخش علمی-ریاضی-منطقی فلسفه‌ی اروپا کمتر شناخته‌شده ولی در حال آشکار شدن است. چنان‌که جزئیات نقش هوسرل در این تبارشناسی به تدریج روشن می‌شود. برای این منظور ارجاعات در متن به فصل ۱ و ۳ را دنبال کنید.

متفکر سیستماتیک، نویسنده‌ی هالوگرافیک

تصویر ارائه‌شده توسط من از سیستم فلسفی هوسرل، تصویری پیچیده با حوزه‌های گسترده و وحدتی فراگیر است، به این معنا که هنوز شخصیت عینی و فلسفی و به‌طورکل فلسفه‌ی وی کاملاً روشن نشده است. زیرا او ازجمله متفکران بزرگ غرب و بزرگ‌ترین فیلسوفان نظام‌ساز است که اولین آنها ارسطو و دومی کانت است. هوسرل در ردیف این دو است. این فهرست کوتاه از بزرگ‌ترین فیلسوفان نظام‌ساز پیشنهاد من است، زیرا آنها به‌درستی سیستم

فلسفی جامعی ارائه کردند و به حد وافر بر جزئیات آن تأمل کردند. هرچند جایگاه رفیع متفکران نظام‌ساز دیگری از جمله اکویناس، هگل، وایتهد را نمی‌توان از نظر دور کرد، اما منظورم بزرگ‌ترین فیلسوفان نظام‌ساز است یعنی ارسطو، کانت و سپس هوسرل، زیرا نظامی در این توالی می‌تواند به مثابه‌ی نظامی جانشین دیده شود که به گونه‌ی ریشه‌ای تبارش را تغییر می‌دهد و اصلاح می‌کند.

آنچه روشن می‌کند هوسرل متفکری سیستماتیک است، این آموزه و روش علمی است که هر چیزی نه تنها [به چیزهای دیگر م.] نسبت دارد بلکه به همدیگر از درون وابسته هستند. آن‌گونه که وی درباره‌ی آگاهی، معنا، بداهت، جهان طبیعی، زمان، فضا، تقویم‌های فرهنگی، عدد، ساخت ریاضی، علم، عینیت و ذهنیت، اعیان و ویژگی‌های آن، ماهیات و مقولات و غیره می‌نویسد. آنچه در فلسفه‌ی هوسرل حیاتی است گره‌خوردن هر متن با متن دیگر است، حتی اگر این متن در دهه‌های جدا نوشته شده باشند، و ظاهراً موضوعات مختلفی را برآورد. بار فلسفی هوسرل چون تربیت شده ریاضی‌ان‌بوهی از معانی را با خود حمل می‌کند بدون شک چنین تربیتی در روش کار او بسیار مؤثر افتاد، زیرا وی مانند یک ریاضی‌دان در صورت تغییر دیدگاهش که به ندرت پیش می‌آمد افکارش را با تکیه بر نتایج قبلی بسط می‌دهد و چونان یک ریاضی‌دان دیدگاه‌هایش را بر پایه‌ی «کزاره‌ها»^۱ معنوی استنتاجی «(تی‌یورم)^۱ قبلی بنا می‌کرد. معدودی از فلاسفه نتیجه‌ها را حاصل این‌گونه تنگ به هم گره می‌زنند و ایده‌هایشان را در یک «توالی استنتاجی» بسط می‌دهند. چنان‌که دیدگاه‌های وی درباره‌ی آگاهی، دیدگاه‌های وی درباره‌ی معنی را پیش‌فرض می‌گیرد و برعکس. مفهوم وی از منطق مفهوم شهود را پیش‌فرض می‌گیرد و برعکس. نظریه‌ی در باب ماهیت با نظریه‌ی وابستگی پیوند می‌خورد. به همین ترتیب، به هر حال، آن‌طور که در فصل دوم تبیین خواهد شد، سیستم هوسرل متضمن فرائض نظریه‌ی^۲ مربوط به خود است، نظریه‌ای در باب این‌که چگونه نظریه‌های جزئی در این سیستم مقید به یکدیگر هستند: هر کدام از آنها جزء یک کل کاملاً تعریف شده^۳ هستند و بنابراین نظریه‌ی هوسرل در باب جزء‌ها و کل‌ها تبیین می‌کند که چگونه نظریه‌های جزئی در درون نظریه‌ی آگاهی-و-جهان به همدیگر گره می‌خورند.

پس، سیستم ایده‌های هوسرل مصداقی از چیزی است که وی کل دقیق و موجز^۱ نامید انتخاب عبارت فوق از سوی هوسرل مهیج است. گرچه "pregnant" آلمانی گاهی «باردار» و بارور ترجمه می‌شود. (آن‌طور که عبارت «باردار» پر معنی است) این واژه از فعل "prägen" استخراج می‌شود که به معنی الصاق تمبر یا ضرب کردن سکه است، یعنی تولید صورتی مختصر و دقیق. پس "prägnant"، دقیق، مختصر، کوتاه و موجز هم معنی می‌دهد. و بنابراین هوسرل یک کل تماماً مفید به یکدیگر را مراد می‌کند که به گونه‌ی موجز و مختصر تشکّل یافته است. بر همین تئیس اجزاء سیستم فلسفی هوسرل به گونه‌ی دقیق وابسته به یکدیگر هستند: نظریه‌های جزئی - از جمله تجربه، معنا، زمان، فرهنگ، ماهیت، عدد، و غیره. در درون کل آن نظریه متکی به یکدیگر هستند.

هوسرل فیلسوف مؤلفی است که اهمّ آثار وی با تعمق و دقت بسیار همراه است. وی سلسله‌ی مجلدات زبانه رشته‌ی تحریر درآورد که هریک از آن‌ها با عنوان فرعی مقدمه‌ای به عالم جانش پدیدارشناسی تعریف می‌شوند. با این حال نمی‌توان کل عمارت فلسفی وی را با استیلاچی خواند، بلکه می‌توان آن را عمارتی دیالکتیکی نامید به این معنا که مراندیش با روی جانش به دیگری تسری می‌یابد به گونه‌ای که یک دور هرمنوتیک را کامل می‌کنند. متن هر نظریه متن نظریه‌ی دیگر را پیشاپیش به یاد می‌آورد به گونه‌ای که وی فیلسوفی هولوگرافیک است، زیرا تصاویر سایه‌قلم‌شده پیوسته بر دیگری سایه می‌اندازند. سیستم فلسفه‌ی وی چون طرح‌های متوالی بر روی پارچه‌ی عربی‌نی قابل فرض هستند که هر طرح متضمن کل است به گونه‌ای که با پالودن یک جز یا طرح همه‌ی طرح‌های دیگر در قالبی جدید و مؤثرتر ظاهر می‌شوند.

در نتیجه، متون هوسرل همانند صفحاتی هولوگرافیک هستند، یا اجزای از یک صفحه‌ی کاملند که هریک از آن‌ها آینده‌ی تمام‌نمای مابقی است. در تصویر فلسفی سیستماتیک هوسرل از آگاهی و جهان را بازنمایی و عرضه می‌کنند، به عبارت دیگر کل سیستم فلسفی هوسرل در هریک از متون یا هر نظریه‌ی جزئی قابل رؤیت است، گرچه هر متنی بر موضوعی خاص خواه پدیدارشناسی، هستی‌شناسی یا منطق و غیره تمرکز دارد. بنابراین، این سیستم یک هالوگرام است. قرائت یک موضوع کل سیستم هوسرل را بازنمایی می‌کند و خواننده را

دعوت می‌کند تا دقیقاً درون اجزاء دیگر سیستم نظر کند. بنابراین لازم است هنگام ارائه‌ی هر فصل هر کجا که مناسب باشد به اجزاء و بخش‌های دیگر اشاره کرد. و این همه تلاشی است به منظور معرفی شایسته‌ی کل با اجزاء، به هر صورت، این روش ارائه می‌کوشد تا خلاصه‌ی فصول و جان کلام متون را در هر متن و فصل اعاده کند و نیز روابط درونی میان بخش‌های مختلف سیستم هوسرل را به گونه‌ی بازتابی هریک در دیگری ارائه کند. اگر نظر من درباره‌ی ویژگی هولوگرافیک اندیشه‌ی هوسرل صحیح باشد می‌توان گفت هیچ راه دیگری برای ارائه‌ی ساخت نظام مند فلسفه‌ی او وجود ندارد.

طرح کتاب

این کتاب کل نظام فلسفه‌ی هوسرل را به شرح ذیل چارچوب‌بندی می‌کند. فصل یکم به طرح کلی هوسرل، آثار وی و اهمیت آن می‌پردازد. فصل دوم با مروری کلی بر سیستم فلسفی وی، جزئیات کلیدی را خلاصه کرده و به چگونگی کارکرد آن‌ها با هم می‌پردازد. چنین پژوهشی ضرورتاً با پژوهش‌های منطقی که نخستین اثر جامع وی است آغاز می‌شود. این اثر در سه مجلد و بالغ بر هزار صفحه به سان جنگلی انبوه است. فصل دوم اثر حاضر می‌کوشد بدون ورود به جزئیات به تصویر کلی بسنده کند.

هوسرل در پژوهش‌های منطقی، تجربه‌ی جامع و در حال گسترشی را توسعه می‌دهد، و از طریق نظریه‌های خاص در منطق، زبان، هستی‌شناسی، پدیدارشناسی و سرانجام شناخت‌شناسی آن را پیش می‌برد. همین پیشرفت در اثر بعدی وی یعنی ایده‌های / هویدا است، هر چند دیدارشناسی در میان آن‌ها نقشی برجسته ایفاء می‌کند.

همه‌ی آثار هوسرل چه آن‌ها که در حیات وی به طبع رسیده‌اند، چه مجموعه درس‌گفتارهایی که پس از مرگ وی منتشر شدند، همه به نوعی مناسب با اندیشه‌ها یا نظریه‌های تدوین شده در پژوهش‌ها بسط یافته‌اند، چنانچه فصول آتی پژوهش‌ها را چون خاستگاه هسته‌های بنیادی تمام ایده‌های بسط یافته در آثار بعدی معرفی خواهد کرد. برخی بر این باورند که هوسرل از هستی‌شناسی واقع‌گرا در پژوهش‌ها به پدیدارشناسی محض و ایده‌ال‌یسم بنیادی در ایده‌ها چرخش کرد. اما برخی دیگر از جمله من به استمرار و پیوستگی ژرف همه‌ی آثار هوسرل اعتقاد راسخ دارند که حکایت مؤکدی از ماهیت سیستماتیک فلسفه‌ی

هوسرل است. و جان کلام چنین است: تنها به موجب اینکه هر تألیف پس آیند پژوهش‌ها استوار بر پژوهش‌ها است، پس چنین تصویر پدیدارشناسی در سیستم فلسفی هوسرل دارای وابستگی درونی با آموزه‌های منطق، هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی است.

فصل سوم به گونه‌ی اجمالی به تلقی هوسرل از «منطق محض» می‌پردازد. به‌طور خاص پیشی را آشکار می‌کند که بعداً سمانتیک (چگونه معانی، انواع مختلف اعیان را عرضه می‌کنند) و نیز فرارایضیات (نظریه‌های ریاضی از نظریه‌ها، ریاضی) نامیده شد. فلسفه‌ی هوسرل از زبان روزمره در اینجا وارد می‌شود تا این توضیح که زبان معانی را بیان می‌کند که نقش معانی نسبت‌دادن عبارات به جهان است.

فصل چهارم به دیدگاه‌های هستی‌شناسی هوسرل مربوط است که شامل نظریه‌ی «ماهیت» (انواع، اوصاف، نسبت‌ها) موجودات انتزاعی یا مثالی^۱، نظریه‌های جزءها و اشیاء و نیز نظریه‌ی وابستگی (چگونه یک عین برای وجودش وابسته و متکی به یک چیز است. این نظریه‌ها در همه‌ی نظریه‌های دیگر هوسرل نقش دارند از جمله نسبت آگاهی به جهان بیرونی که شامل نظریه‌ی مشهور به ایده‌الیسم استعلایی نیز می‌شود.

فصل پنجم اختصاص به پدیدارشناسی دارد. و می‌کوشد تا دانش اول شخص و جدید آگاهی هوسرل را ارائه کند. می‌کوشد، صرف‌نظر از هر جانب‌داری، نتایج متنوع حاصل از کوشش‌های هوسرل از جمله تحلیل ساخت الثفات (آگاهی «از» چیزی)، ساخت تجربه‌ی ما از فضا و زمان، عیان فیزیکی و آگاهی^۲ از اشخاص دیگر را خلاصه کند.

فصل ششم بیشتر جزئیات تکنیکی پدیدارشناسی هوسرل را می‌کاود از جمله روش «در پراتز نهادن» یا «اپوخه» (در پراتز نهادن سؤال در مورد اعیان در جهان طبیعی اطراف ما است که به موجب آن توجه به شیوه‌ی تجربه‌ی آن‌ها در آگاهی معطوف می‌شود). و نیز نظریه‌ی الثفات به گونه‌ی مشروح ردیابی می‌شود، براساس این نظریه هر عمل آگاهی به وسیله‌ی یک معنی مثالی خاص

۱. هوسرل موجودات مثالی آسمان افلاطونی را نه تنها منظور ندارد بلکه به کاربردن کلماتی چون موجودات

انتزاعی از سوی وی مصروف تبیین‌های قبلی و احتیاط‌های لازم است. -م.

۲. awareness: هر کجا که آگاهی با ستاره بیاید منظور awareness است که آگاهی خنثی است.

یا ساخت مفهومی که «نوئما» نامیده می‌شود معطوف به شیء خاصی است. (نوئما در زبان یونانی به معنی آنچه اندیشیده یا شناخته می‌شود.) و نیز تبیین خواهد کرد که نظریه‌ی التفات به نظریه‌ی منطق هوسرل باز می‌گردد.

فصل هفتم به نظریه‌ی شناخت‌شناسی هوسرل می‌پردازد و آموزه‌ی تعمیم‌داده‌شده^۱ «شهود» یا تجربه‌ی بدیهی را برجسته می‌کند. از نظریه‌ی ما اعیان فیزیکی اطرافمان را ادراک یا «شهود» می‌کنیم، اما ماهیت چیزها را «می‌بینیم» یا دارای بینشی درباره‌ی ذات یا ماهیت چیزها از جمله صور ریاضی هستیم. هوسرل با تحلیل و بسط صور متنوع تجربه‌ی «شهودی» می‌کوشد چگونگی شناخت انواع متنوع اعیان را پایه‌گذاری کند. و نیز قابل توجه است گزارش وی از شناخت سیستماتیک در علوم و شیوه‌هایی که در آن شناخت علمی بر شناخت روزمره در «زیست جهان» متکی است.

فصل هشتم به بداهه‌های هوسرل در باب بنیان اخلاق می‌پردازد، آموزه‌های ارائه‌شده در این باب بارها به خوبی پدیدارشناسی وی و نظریات ملازم آن شناخته شده نیستند. هوسرل، هدایای اخلاقی را در تجربه، بر عقل و عشق بنیان‌گذاری می‌کند. با این حال نمی‌تواند و در قصدیت بنیان‌گذاری می‌شوند تا حدی به همان شیوه‌ای که معانی را بیان عینی است.

فصل نهم به ارزیابی میراث هوسرل می‌پردازد. هرچند تأثیر دیدگاه‌های متنوع هوسرل در فصل‌های اثر حاضر نشان داده شد. اما این فصل مجدداً متذکر آن‌ها است ضمن این‌که به گزارش خلاصه‌شده‌ای از اخلاق و نظریه‌ی ارزش بسنده می‌کند.